

متن پرسش

با سلام خدمت استاد عزیز: در کتاب برهان صدیقین، قسمت اول که علت معده و حقیقی را توضیح دادید، متوجه نشدم که چرا می فرمایید علت حقیقی با معلول یگانگی دارد و بعد هم مثال نور بالا و پائین را برای آن زدید. فهم من این است که اصلا یک علت حقیقی بیشتر وجود ندارد و چیزی که باعث تفاوت حقیقی و معده شده همان ربط بین علت و معلول است که در اینجا «وجود» می باشد و چون وجود تشکیکی است پس می گوئیم بین علت و معلول دوگانگی نیست. فکر می کنم در کتاب روی همین نکته مهم که ربط بین علت و معلول، وجود است از ابتدا صحبت نشده به همین دلیل انسان دفعه اول که میخونه فکر میکنه هیچ تفاوتی بین معده و حقیقی نیست و این شک پیش می یاد که در حقیقی هم می توان یک فیض اولیه شده باشه و معلول به وجود آمده باشه و بعد علت و معلول از هم جدا شوند و دیگه هویت تعلق معلول هم تعریف نشه. سوال بعدی من درباره عرفان هست. امروز توفیق داشتم شرح سوره حمد شما رو شرکت کنم، منتها واقعا از این مباحث چیز زیادی نمی فهمم. یعنی شما که شرح می دید کاملا موافقم اما نمیتونم خودم در اون موضوع بیشتر فکر کنم و دایره ذهنم فقط در همان محدوده کلاس در اطراف اون موضوعات می چرخه. شاید اینها برای من خیلی سنگین باشه. بفرمایید چه کتابی رو در مقدمه بخونم که بیشتر با این مباحث آشنا بشم. سر کلاس خیلی خوشحالم از این جملاتی که می شنوم اما بیرون کلاس هیچ اثری از اون نمی مونه و اصلا در حد خودم نمی دونم که روی اینها فکر کنم. خیلی ممنون از لطف شما. تشکر فراوان از اینکه وقت می گذارید و جواب سوالات منو میدید.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- در بحث برهان صدیقین زبان، زبان فلسفه است و موضوع علت و معلول. به همین جهت ملاصدرا باید بین علت حقیقی و علت معده تفکیک کند تا برسد به جایی که مخاطب متوجه شود یک وجود است با شدت و ضعف که همان تجلی است ۲- در آن پیشنهاد که عرض کردم روی مقالات آیت الله شجاعی کار کنید ان شاء الله آنچه را دنبال می کنید می یابید. موفق باشید